

مشری کافه خیابان وسط

بحث ظریف رابطه شهرت» با «جنجال»

مهرداد جنتی

● «میشه بگی چرا این ریختی شدی؟» «چه ریختی؟» «این ریختی دیگه!» «خوب شدم؟» «مرد حسایی، چرا ابروهاش رو برداشتی؟» «فتم تست مجری‌گری دادم.» «مجری‌گری چه ربطی به ابرو داره؟» «گفتم شاید لازم بشه.» «برای چی؟ اونا با تسلط در اجرا باید کار داشته باشند نه با ابروها.» «اما ابرو مهمه، باور کن.» «مرد حسایی اون‌ی که تو میگی «ابرو» نه «ابرو».» «اما خدوم دیدم، باور کن این مهمه حالا هی بگو.» «باشه، خدا نکته مرغت یه پا داشته باشه، آخرش همون حرف تو میشه. حالا میشه بگی چی شد به فکر مجری‌گری افتادی؟» «خوب شغلیه، گیر میدی به این، گیر میدی به اون، اینو مسخره می‌کنی، اونو مسخره می‌کنی، کلی تو شبکه‌های اجتماعی سروصدا راه میدازی. یه‌عالمه کامنت می‌گیری و یه‌شبه تو دنیا مشهور میشی، این‌طوری در صدساله رو یه‌شبه میری، پدّه؟» «چی باید بهت بگم؟ اینم شد استدلال؟ یعنی فحش بخوری؟» «لاید بعضیا اینجوریشم دوست دارند.» «هنوز مجری نشدی روت باز شده‌ها!» «مگه چی گفتم؟ میگم شاید خیلیا ظرفیتشو ندارند.»

«ظرفیت چیه؟ ظرفیت مجری‌گری؟» «نه، ظرفیت شوخی، شوخی جنبه می‌خواد، بعضیا ندارند.» «یعنی میگی تحقیرشدن جلوه به‌عالمه بیننده جنبه می‌خواد؟» «بالاخره شوخیه دیگه.» «آخه این چه شوخی‌ایه؟ یکسری رو تحقیر و له کنی تا دیگران بخندن؟» «مگه ندیدی، همون موقع تماشاگرا دست زدن، خوششون اومد.» «راست میگی، بالاخره این‌جور نمایش تماشاگر خودشم می‌خواد.» «حالا تأیید می‌کنی که مجری‌گری شغل خوبیّه؟»

«من که نگفتم بده، اما نگارتم، می‌تسم جلوه دوربین حرفی، چیزی بگی که کار دستت بده. آخه حرفات حساب‌کتاب نداره، اومدیم و بدفعه رو آتین چیزی گفتی که دیکه نشئه جمعیش کرد. اون‌وقت چه خاکی سرت می‌کنی؟» «چیزی نمیشه، فقط ممنوع‌التصویر میشم.» «به همین سادگی؟ ناراحت نمیشی؟» «چرا بشم؟ اینکه تازه اولشه.» «ممنوع‌التصویری؟! «آره.» «خل شدی؟ این‌همه سگ‌دو می‌زنی، زیرابرو ورمی‌داری، مو می‌کاری و هزارجور بلا سر خودت میاری که بری ممنوع‌التصویر بشی؟» «تازه اولشه، کار از اینجا شروع میشه.» «وقتی بی‌کار شدی، دیکه چه کاری؟» «عکست میره روی جلد مجله‌ها، باهات مصاحبه می‌کنی، اینجوری کلی مشهور هم میشی، باور کن ممنوع‌التصویری عالمی داره، اینجوری بیشتر تحویلت می‌گیرن.» «بگیرن، اینکه برات نون نمیشه؟» «میشه، مشهور که شدی خیلیا میان سراغتم، می‌تونن بازبرگر سینما بشی، اون‌وقت با کلی بازبرگر مشهور آشنا میشی، همه‌اش با آدمای مشهور می‌بری، این‌طوری خیلیا بهت حسودی می‌کنن.» «اما تو که می‌خواستی مجری بشی؟» «خُب میشم.» «با ممنوع‌التصویرشدن؟» «وقتی بیرون کلی هواخواه پیدا کردی و کلی سروصدا به‌پا کردی، خودشون میان سراغتم.» «که چی؟» «که بری براشون برنامه برپیننده اجرا کنی، اصلا نون تو همین ممنوع‌التصویرشدناسنت، باور کن.» «یعنی آکویه؟»

«خیلی هم جدیه!» «ممنوع‌التصویری رو می‌گم.» «آهان فکر کردم مجری‌گری رو میگی.» «سواد چی، سواد. چیزی نمی‌خواد؟» «مگه میشه نخواد؟» «یعنی حالا تو سوادشو داری؟» «اگه منظورت «رو» نه اونو من دارم.» «سواد تو، روی تونه؟» «آخه فقط رو می‌خواد، همین.» «واقعاً؟! یعنی چیز دیگه‌ای نمی‌خواد؟» «دیگه چی؟ اصلش همینه، رو که داشته باشی یعنی شرایطشو داری.» «مدرک چی؟ مدرکی، چیزی نمی‌خوان؟» «مدرک تحصیلی رو که همه دارن، حالا همه دکترا دارن.» «تو داری؟» «عجب یادت رفت؟» «ببخشید آقای دکترا! پس اینا چیه که می‌خونی؟» «مگه نمی‌بینی همه‌اش مجله‌ان؟» «مجله واسه چی؟» «اینجا مصاحبه‌های مجری‌ها در زمان ممنوع‌التصویری‌شونه، می‌خوام ببینم چی گفتن؟» «به چه دردت می‌خوره؟»

«بفهمم رمز موفقیتشون چی بوده؟» «چیزی دستگیرت نشده؟» «جنجال، رمزش تو سروصداست، باید کاری کنی تا توجه همه رو به خودت جلب کنی، البته خودشون میکن ما که کاری نکردیم، این بدخواها هستن که جنجال بپا می‌کنن، ما داریم کار خودمونو می‌کنیم.» «یعنی کار اشتباه برای جلب توجه؟» «دیدها مختلفه، باید دید از اون «رفتار» مردم چه برداشتی می‌کنن.» «حقا که یه یا مجری هستی.» در همین حین کارسون که انکار حرف‌های ما را شنیده بود با لحنی چاپلوسانه جلو آمد و گفت: «دکتر میشه یه امضا به من بدین؟»

سیمین سلیمانی، خبرنگار «شرق» در نیشابور: سازها همچنان راهی به خراسان ندارند. این‌بار قرعه به نام کیهان کلهر افتاده و کنسرت این نوازنده بنام کمانچه که قرار بود دیشب و امشب در سالن سیمرخ شهر نیشابور برگزار شود، بدون هیچ توضیحی به دستور دادستان نیشابور لغو شد. این کنسرت اولین کنسرت از مجموعه تور ایران کیهان کلهر، نوازنده و آهنگ‌ساز نامدار ایرانی به‌همراه گروهش بود که قرار بود دوشب در نیشابور برگزار شود اما در آخرین دقایق درحالی‌که تمامی اعضای گروه در فرودگاه عازم این شهر بودند، طی تماسی کوتاه اعلام شد کنسرت لغو شده. یک منبع آگاه در خراسان رضوی در گفت‌وگویی با «شرق» دراین‌باره گفت: سیر قانونی مجوزهای این کنسرت طی ولی مجوزی صادر نشده بود. طبق وعده‌هایی که دادند بنا شد که این کار صورت پذیرد ولی نیروی انتظامی و دادستان کار را ناتمام گذاشتند؛ تهیه‌کننده سایت را برای فروش بلیت باز گذاشته بود و مجوزها آخرین مراحل خود را طی می‌کرد؛ در ادامه نیروی انتظامی که جزء مراجعی است که باید هماهنگی لازم با آنها انجام شود عنوان کرده باید با مراجع دیگر نیز هماهنگ کند که این کار به طول انجامید و هماهنگی انجام نشد، این‌د در حالی بود که هماهنگی لازم با فرمانداری انجام شده و موافقت

اولیه نیز با اجرای این کنسرت صورت پذیرفته بود.» این منبع در پاسخ به اینکه این کنسرت و کنسرت‌های قبلی که در استان خراسان لغو شده از سوی چه مراجعی بوده، گفت: «قانونا صدور مجوز مرا حلی استان خراسان است، بارها با اجراهایش مخالفت شاهد این هستیم که پروسه کامل نمی‌شود. درواقع از درخواست تا صدور نهایی، ماجرا ناتمام می‌ماند و این خیلی آزاردهنده است که ما نمی‌توانیم دقیقاً

لغو کنسرت نوازنده جهانی ایران

ساز «کلهر» راهی به نیشابور ندارد



عس، موسیقین ایرانیان

بگویم چه کسی این کنسرت‌ها را لغو می‌کند.» به گزارش «شرق» هنوز برگزاری کنسرت در خراسان قبلی که در استان خراسان لغو شده از سوی چه مراجعی بوده، گفت: «قانونا صدور مجوز مرا حلی استان خراسان است، بارها با اجراهایش مخالفت و کنسرت‌ها لغو شده است، هنرمندان موسیقی خراسان پیگیری‌های بسیاری برای حل این مشکل کرده‌اند که این پیگیری‌ها در سال ۹۴ به این انجامید

ما را یکه گیر آورده‌اند

به‌مناسبت انتشار بنی‌آدم گفت: «وزارت ارشاد دو سال پیش به‌اتفاق برخی مطبوعات به‌اصطلاح تجدیدطلب، بازی تلخی را ترتیب دادند و به اجرا گذاشتند!» یعنی انتشار خبر انتشار کلنل و همزمان انتشار نسخه جعلی کتاب! خبر پخش‌شدن نسخه پی‌دی‌اف «بنی‌آدم» آن هم در روزهای نمایشگاه نویسنده را برآشفته است، او می‌گوید: «بسیار متاسفام بابت تمام این پامال‌شدن‌ها، پامال‌شدن حقوق انسانی من در این مملکت، که دیگر برای من غریبه نیست در این بی‌قانونی!، قانون سرش به کار خودش گرم است و کاری به امور مربوط به من نویسنده ندارد. همه این اتفاقات اخیر، از آمدن نسخه جعلی کلنل تا نسخه اینترنتی بنی‌آدم به بازار، همه دست به دست هم داده‌اند تا آشکارا حقوق نویسنده را انکار کنند. این‌ها ریش‌خندی است به قانون. اهانت به خودشان است، به هر آن‌کس که در این اتفاقات سهم داشته، بنابراین من، محمود دولت‌آبادی در آستانه نمایشگاه کتاب، در حقوق خلافت خودم که قانون هیچ توجهی به آن ندارد، دفاع می‌کنم.»

دولت‌آبادی از نبود قانون مناسب به حال مؤلف و مترجم می‌گوید و معتقد است: «همه از کپی‌رایت می‌گویند، اما من فکر می‌کنم پیش از هر چیز باید قانون کپی‌رایت را به‌صورت قانون داخلی در بیاورند تا بعد برسد به بخش بین‌المللی آن که مراحل خاص و اجتناب‌ناپذیر خود را دارد و ممکن است مدت‌ها زمان ببرد.» پرسش دولت‌آبادی اما پرسش ساده‌ای است، او که حسن‌نیت خود را اثبات کرده، پیش‌فرض‌ها و تجربیات تلخ گذشته را کنار گذاشته و پای سخن مسئولان فرهنگ نشسته است، امروز می‌پرسد: چه‌کسی مسئول این اتفاقات است؟ «اینجا کجاست، چه‌کسی به من نویسنده پاسخگوست؟ مایه شرم است که هر کس هر کار می‌خواهد با آثار من می‌کند و هیچ آب از آب تکان نمی‌خورد! گاه گمان می‌کنم این‌ها دیگر خارج از اراده ما است، لاید این آدم‌ها حمایت جایی را پشت سر خود دارند. شاید هم از ما بهترانند؟!» محمود دولت‌آبادی در آستانه هفتادوشمین سال زندگی‌اش و بیش از پنج دهه نوشتن به جعل آثارش اعتراض دارد و مردم، مسئولان و مسببان این کار را خطاب می‌کند و می‌گوید: «تدبیر و سیاست فرهنگی بر این قرار گرفت که نه‌تنها کلنل درنیامد، که نسخه جعلی آن نیز به بازار آمد و بر بنی‌آدم هم چنین رفت که رفت و امیدوارم ناشر بتواند جلوی چنان خطیی را بگیرد.» دولت‌آبادی در

که استاندارد خراسان در یکی از جلسات شورای فرهنگ عمومی مسئله موسیقی و کنسرت را در مشهد پیش کشیده و در این جلسه بنا شد آیین‌نامه قانونی اجرای موسیقی در مشهد تصویب شود که هنوز این اتفاق نیفتاده و با وجود پیگیری‌های هنرمندان برای اتفاقاتی شبیه لغو کنسرت کیهان کلهر بی‌هیچ نتیجه‌ای ادامه دارد. اخیرا کنسرت علی زندوکلی نیز در خراسان لغو شد و در نامه‌ای ذکر شده بود که «به محض فراهم‌آمدن شرایط مطلوب در اولین فرصت نسبت به برنامه‌ریزی اجرای یادشده در زمان و مکان جدید همکاری لازم با مؤسسه (برگزارکننده) صورت خواهد پذیرفت.» هنوز شرایط مناسب برای نفس‌کشیدن موسیقی در خراسان مهیا نشده، ادامه لغو کنسرت‌های دیگری که در استان خراسان انجام شد، نشانه دیگری است که گویا هنوز کش‌وقوس‌ها بر سر اجراهای صحنه‌ای و کنسرت‌ها در این استان ادامه دارد؛ این در حالی است که هنرمندان خراسان نسبت به اجرای صحنه‌ای در مشهد اعتراض خود را از طریق امضای طومار و... به گوش مسئولان امر رسانده‌اند ولی این روند ادامه دارد. سریال لغو کنسرت‌ها این‌بار به لغو اجرای کلهر در نیشابور رسید و قفل اجراهای صحنه‌ای در خراسان هنوز با هیچ کلیدی باز نشده است.

انتظار مجوز دارد: دو رمان، کلنل و طریق بسمل شدن و یک خود- زندگی‌نامه با نام عبور از خود. او خطاب به عاملان جعل آثارش می‌گوید: اگر قصد و غرض‌تان ضربه اقتصادی به من است، بدانید که من با نان خشک هم زندگی کرده‌ام، «تنها کتاب‌هایم نبوده، در این سال‌ها سرقت‌های سینمایی بسیاری هم از آثار من شده، من اینجا دارم غارت می‌شوم... به‌قول خراسانی‌ها ما را یکه گیر آورده‌اند!» دولت‌آبادی درباره قصه‌های بنی‌آدم گفته بود «آچه بر فضای این قصه‌ها حاکم است، عصاره زندگی‌ای است که من در این دوره تجربه کرده‌ام و تجربه می‌کنم، عصاره دفرماسیون، بیگانه‌شدن و بی‌سرانجامی.» انکار نویسنده پیشاپیش تصویر بیگانه‌شدن را دیده بود.

زیر آسمان فیروزه‌ای

فرش قرمز امروز پهن می‌شود
آماده‌باش در «کن»



● شرق: امروز فرش قرمز شصت‌ونهمین جشنواره فیلم کن پهن می‌شود و رقای نخل طلا در ساحل لاجوردی آشنا، به‌صفت می‌شوند. جشنواره کن در حالی با نمایش «کافه سوسائیتی» به کارگردانی وودی آلن کلید می‌خورد که سینمای ایران در بخش اصلی جشنواره دو نماینده دارد. «فروشنده»، تازه‌ترین ساخته اصغر فرهادی در بخش مسابقه اصلی برای دریافت جایزه نخل طلایی رقابت می‌کند و «وارونگی» به کارگردانی بهنام بهزادی در بخش نوعی نگاه؛ یعنی دومین بخش مسابقه کن رقابت می‌کند. امسال در بخش مسابقه اصلی، تازه‌ترین آثار سینماگران صاحب‌نام چون اولیویه آسایاس، پدرو آلمودوار، لوک وژان بی‌بردارند، جیم جارموش، پل وروهوف و کن لوچ به نمایش درمی‌آیند. اما جشنواره کن امسال به دلیل حملات تروریستی یک‌سال گذشته پاریس آرایش امنیتی ویژه‌ای به خود گرفته است. وزیر کشور فرانسه اعلام کرده که ۴۰۰ مأمور امنیتی خصوصی به‌همراه صدها نیروی پلیس، وظیفه مقابله با حملات احتمالی تروریستی در جریان برگزاری جشنواره کن را برعهده دارند. «برنارد کازانوو» در حالی از حضور روزانه متخصصان کشف بمب در جریان برگزاری جشنواره فیلم کن خبر داد که کشور فرانسه در حال آماده‌باش کامل در مقابل تهدیدات تروریستی قرار دارد. میهمانان جشنواره کن که هم‌زمان با آغاز جشنواره کن به این شهر ساحلی در جنوب فرانسه می‌آیند باید پس از عبور از فرش قرمز و قبل از ورود به سالن اصلی کاخ جشنواره، کیف‌دستی‌های گران‌قیمت خود را برای بازرسی در اختیار مأموران امنیتی قرار دهند که شمار آنها امسال به ۴۰۰ نفر می‌رسد، همچنین صدها پلیس و واحدهای تخصصی نیز در شهر کن به حالت آماده‌باش هستند تا از میهمانان جشنواره در مقابل سارقان جواهرات و کیف‌قاپ‌ها محافظت کنند. شصت‌ونهمین جشنواره فیلم کن از امروز ۱۱ تا ۲۲ می (دوم خرداد) ادامه خواهد داشت.

روزنامه زمانه دانایی

صبح‌خوار

پسرانی با گوش‌های شکسته

کارگردان:

نیما شایقی

برنامه‌سینمایی پردیس سینمایی فرهنگ

پردیس سینمایی کورش

پردیس سینمایی چارسو

خانه هنرمنان، موزه سینما

پردیس سینمایی هویزه (مشهد)

تالار سینمایی سوره (اصفهان)

هنرو تجربه (شیراز)

پردیس سینمایی پرشین (کرج)

#آرمانخواهی #عقلانیت #روشنگری

aecinema.ir

هنرو تجربه

Art & Experience Cinema

www.aecinema.ir

پسرانی با گوش‌های شکسته

Boys With Broken Ears

نیما شایقی

کارگردان:

نیما شایقی

اولین کام، گسب افتخار قهرمانی